

بررسی وضعیت نشر کتب و مجلات حقوقی در ایران

محمد رضا کارکن

که دارای سود باشد؛ اما کسانی که در زمینه نشر سرمایه گذاری می کنند، طبعاً به سود کمتری راضی شده اند، اگر چه به دلیل اینکه خدمتی فرهنگی انجام می دهند، کمی سودشان را می پذیرند. این رضایت ناشر به انجام دادن خدمت فرهنگی، انگیزه ای قوی برای ادامه سرمایه گذاری و در نتیجه، ادامه حیات نشر است. هرگاه سرمایه گذار به سودی بیشتر بیندیشد یا باید فعالیتش را از نشر به حوزه دیگری تغییر دهد یا اینکه در انتخاب کتاب برای نشر، معیارهای دیگری به کار گیرد. از این نظر، کتاب به دو نوع تقسیم می شود: کتاب بازاری (تجاری) و کتاب غیربازاری.

کتاب بازاری چون پرفروش است به سرعت سرمایه صرف شده و سود مورد انتظار را برمی گرداند و در نتیجه، ناشر را ترغیب می کند که در چاپ کتاب بازاری بیشتر سرمایه گذاری کند. البته در سالهای اخیر تمایل به چاپ کتابهای بازاری ناشی از تمایل به جذب سود بیشتر نبوده، بلکه برای تقلیل ضرر یا تلاش برای حفظ میزان معمول سود بوده است؛ به این معنا که با بالا رفتن

بررسی وضع نشر در جمهوری اسلامی ایران به تحقیقی وسیع و همه جانبه نیاز دارد و بدیهی است انجام دادن آن مستلزم صرف وقت زیادی است. همچنین بررسی وضع نشر در حوزه های تخصصی و شاخه های علمی بررسی دقیقتری است که خود، زیرمجموعه ای از وضع عمومی نشر محسوب می شود و سرفصلهای خاصی نیز دارد.

در این مقاله وضعیت نشر کتابهای حقوقی و تا حدی مطبوعات حقوقی در سالهای پس از انقلاب (۱۳۵۸ - ۱۳۷۳) بررسی و به نحو مختصر، عمده ترین مشکلات آن بیان شده است. البته این نوشته، مقدمه بررسی همه جانبه ای است که امیدوارم افراد یا مؤسسات ذیربط آن را به انجام رسانند.

صنعت نشر

نشر صرف نظر از اینکه به چاپ چه موضوعی اختصاص یابد، یک صنعت است که نیاز به دانش فنی، عوامل انسانی و مهمتر از همه سرمایه گذاری دارد. بدیهی است سرمایه در جایی جذب می شود

مورد مطالعه (۱۳۵۸ - ۱۳۷۳) نشان می‌دهد که در این دوره، حدود ۵۰۰ عنوان کتاب حقوقی به چاپ رسیده است؛^۱ یعنی حدود ۳۲ جلد کتاب در هر سال. نزدیک به ۱/۳ از کتابهای مذکور چاپهای مکرر (غیر از چاپ اول) بوده‌اند که به این ترتیب، در طول ۱۶ سال گذشته حداکثر ۳۴۰ عنوان کتاب حقوقی جدید و به‌طور متوسط هر ساله ۲۲ عنوان جدید به چاپ رسیده است. این میزان در مقایسه با تنوع موضوعات حقوقی و مخصوصاً تغییرات بنیادی در نظام حقوقی ایران، بسیار کم است؛ اگرچه در مقایسه با دوره‌های قبلی از انقلاب یعنی از آغاز نشر در ایران تا سال ۱۳۵۷، تعداد کتابهای حقوقی چاپ شده حدود ۴۵۰ عنوان بوده است. بدین ترتیب، در دوره قبل از انقلاب سال به طور متوسط ۸ عنوان کتاب به چاپ رسیده که با رقم ۳۲ عنوان کتاب در دوره ۱۶ ساله پس از انقلاب فاصله‌ای بسیار دارد. به عبارت دیگر حاصل دوره ۱۶ ساله پس از انقلاب - از لحاظ چاپ کتابهای حقوقی - بیشتر از مجموع فعالیتهای قبل از انقلاب است و این امر حاکی از جهشی بی‌نظیر در توسعه اطلاعات و اطلاع رسانی علمی است؛ اما این میزان فعالیت با آنچه مورد لزوم است، باز هم فاصله‌ای بسیار دارد.

در بررسی علل کم بودن کتب چاپ شده حقوقی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. پایین بودن میزان علاقه‌مندی به مطالعه حتی در میان تحصیلکرده‌ها؛ این امر را می‌توان به خوبی از میزان و سرعت جذب کتاب استنباط کرد:

هزینه‌های چاپ از جمله قیمت کاغذ، فیلم، زینک، دستمزد و... قیمت تمام شده کتاب افزایش یافته و بدیهی است که در چنین وضعیتی سود سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد.

در مقابل سرمایه‌گذاری روی کتاب کم‌خواننده و کم طرفدار (غیر بازاری) بدین معناست که برگشت همان سود ناچیز هم نیاز به فرصت بیشتری برای فروش کتاب دارد که بر اثر آن، ارزش سود مورد انتظار باز هم کمتر می‌شود. برای جلوگیری از این کاهش ارزش، برخی ناشران به سوی چاپ کتابهای بازاری (تجاری) روی می‌آورند. در باره کتابهای حقوقی، این گرایش در سالهای ۷۱ و ۷۲ به ویژه ۷۳ به خوبی محسوس است؛ به نحوی که چاپ کتابهای حقوقی با عناوین تجاری یا قوانین متفرقه در این سالها افزایش یافت که البته شاید این امر گریزناپذیر هم بود.

کتاب تجاری الزاماً از حیث علمی کم ارزش نیست و چه بسا کتابی باشد که محتوای علمی آن غنی است و خواننده زیادی هم دارد؛ اما در بیشتر مواقع اینطور نیست. کتابهای تخصصی‌تر به این دلیل که مخاطبانشان محدود است، تیراژ کمی دارند و فروششان نیز به درازا می‌کشد. در نتیجه، چاپ کتاب بازاری گسترش می‌یابد و البته این امر موجب انزوای بیشتر کتابهای تحقیقی و تخصصی‌تر می‌شود.

شاید گرایش ناشران به چاپ چنین کتابهایی مؤلفان را هم به سوی تألیف کتبی با موضوعات عمومی‌تر کشانده و از پرداختن به موضوعات تخصصی، اما مبتلا به جامعه، دور کرده است.

بررسی آماری

بررسی تعداد کتابهای حقوقی منتشر شده در دوره

۱. در این بررسی مجموعه‌های قوانین و مقررات سایانه به حساب نیامده است.



بازار کتاب هم شد.

۶. عدم همکاری سازمانهای مسئول و متولی چاپ و عدم اختصاص اعتبارات مالی برای حمایت از چاپ کتاب.

۷. تصمیم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به بازیابی کتاب قبل از ورود به بازار.

در این تحقیق به عنوان یک تقسیم بندی کلی در گرایشهای مختلف حقوق، شاخه‌های زیر بررسی شده است:

سهم هریک از گرایشهای حقوقی

- کلیات حقوق [ک] شامل مباحث مربوط به فلسفه و تاریخ حقوق، علم شناسی حقوق، جامعه شناسی حقوق، مباحث عمومی و فرهنگنامه‌های حقوق؛
- حقوق خصوصی [خ] شامل عقود، تعهدات، مسئولیت، حقوق خانواده و...؛
- حقوق تجارت [ت] شامل اسناد تجاری، شرکتهای تجاری، اشخاص حقوق تجارت؛

فروش کامل یک کتاب حقوقی با تیراژ سه هزار جلد به طور متوسط ۱۶ ماه طول می‌کشد؛ حال آنکه علاقمندان و دست اندرکاران این رشته نزدیک به یک صد هزار نفر است.

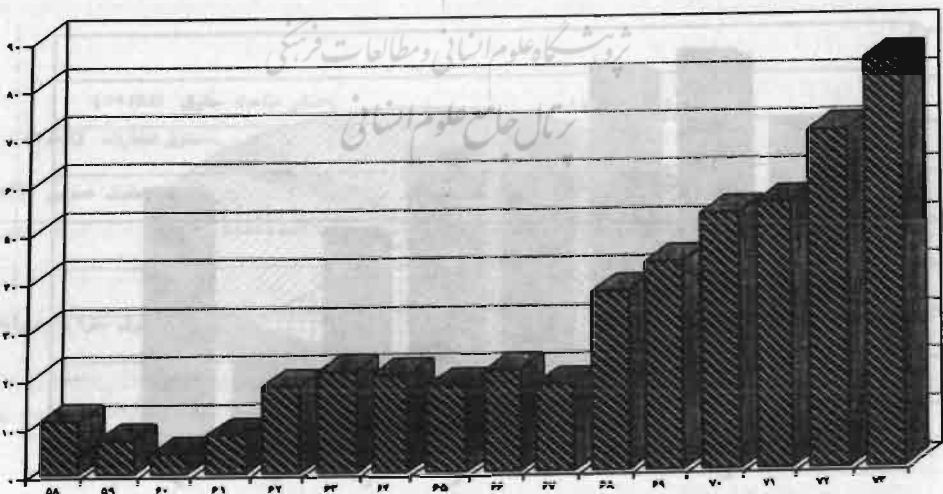
۲. افزایش هزینه نشر که باعث می‌شود ناشران برای چاپ کتاب دیر علاقه نشان دهند.

۳. عدم اشتیاق ناشران به چاپ آثار متعلق به مؤلفان ناآشنا و فاقد شهرت.

۴. ناهمگونی یا ناآشنایی برخی از مؤلفان قدیمی رشته حقوق. این امر به گونه‌ای بود که مانع پرداختن مؤلفان مذکور به مباحث تازه حقوقی - که

طبعاً جامعه به آن علاقه و نیاز بیشتری دارد - شد، تا آنجا که برخی از آنها به دلایل متفاوت و خاص از چاپ جلدهای بعدی کتابهای خود نیز امتناع کردند. بنابراین درست است اگر گفته شود نوعی بی‌علاقگی به تألیف در میان گروهی از مؤلفان کتب حقوقی به چشم می‌خورد.

۵. تعطیلی موقت دانشگاه که موجب تعطیلی



نمودار ۱: تعداد تقریبی عناوین کتابهای حقوقی چاپ شده به تفکیک سال

کیفری، جرائم و مجازاتها دچار دگرگونی شده و نیاز به تحقیق و تتبع درباره موارد ضعف و قوت نظام فعلی بیشتر بوده است. همین انتظار در مورد مباحث مختلف حقوق بین الملل نیز وجود دارد به ویژه به دلیل وقوع انقلاب و جنگ که هر دو از موضوعات در خور بحث در حقوق بین الملل محسوب می شود و تأثیرات آن در روابط بین الملل و قراردادهای مختلف، انکارناپذیر است. به علاوه، وقوع حوادثی از قبیل گروگانگیری، محاصره اقتصادی و... می توانست انگیزه ای بیشتر برای تحقیق در این شاخه را فراهم آورد.

تألیفات تکراری

با بررسی عناوین کتب تألیف شده، ملاحظه می شود که به واسطه کم تعداد بودن کتب حقوقی چاپ شده، برخی موضوعات حقوقی به فراموشی سپرده شده و در مورد آنها هیچ کتابی چاپ نشده است؛ اما بعضی مباحث حقوقی که احتمالاً به اندازه

- حقوق عمومی [ع] شامل مباحث حقوق اساسی، حقوق اداری، حقوق کار، حقوق بیمه، حقوق گمرکی؛

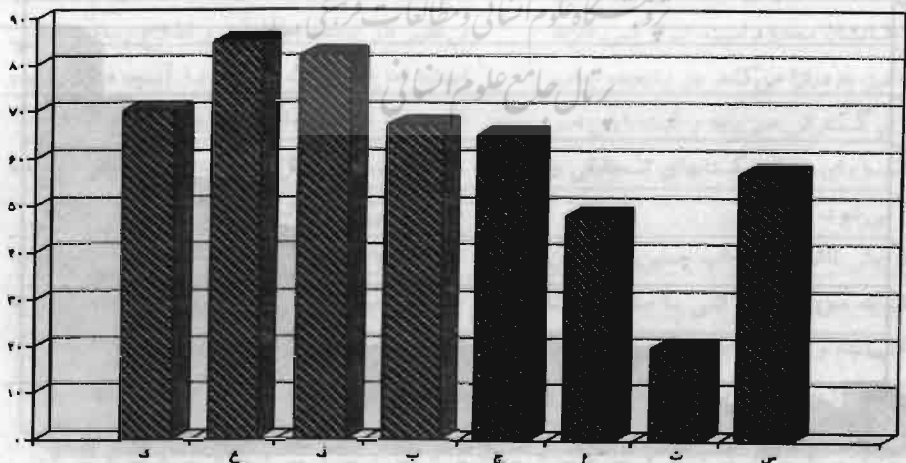
- فقه و حقوق اسلامی [ف]؛

- حقوق جزا و جرمشناسی [ج] شامل مباحث حقوق جزای عمومی و اختصاصی، جرمشناسی، روانشناسی کیفری، پلیس علمی، پزشکی قانونی؛

- حقوق بین الملل [ب] شامل حقوق بین الملل عمومی و خصوصی، جزای بین الملل و سازمانهای بین المللی؛

- سایر مباحث حقوقی [س].

ملاحظه می شود که برخلاف انتظار، مباحثی که نیاز به تحقیق و تبیین بیشتری داشته به حد شایسته و بایسته مورد توجه مؤلفان قرار نگرفته است. این آمار حاکی است که ۱۳/۵ درصد از آثار، متعلق به مباحث حقوق بین الملل و ۱۳/۱۵ درصد از آنها، متعلق به مباحث حقوق جزاست، درحالی که با تفسیر کلی نظام جزایی کشور و بروز تحول اساسی در مجازاتهای اسلامی، مباحث مربوط به مسئولیت



نمودار ۲ سهم هر یک از شاخه های حقوق از تعداد تألیفات چاپ شده

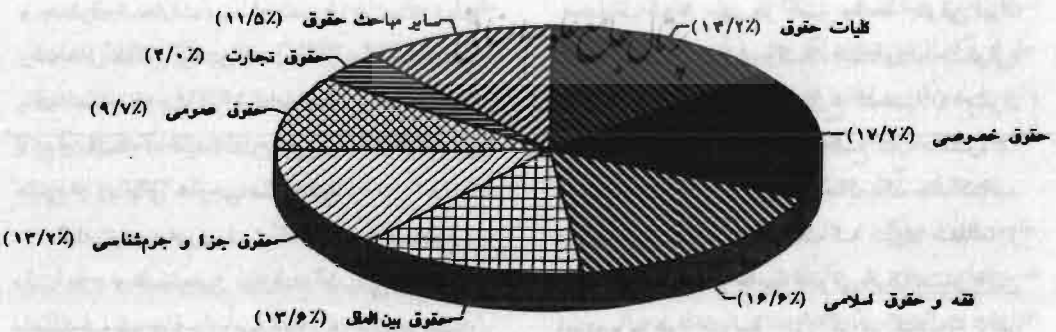


عمومی» چاپ شده که در همه آنها مطالب تقریباً مشابهی مورد بحث قرار گرفته است؛ حال آنکه در هر یک از مباحث حقوق اساسی، حقوق بین الملل عمومی، حقوق شرکتهای و... مباحث تخصصی تر و جذابی وجود دارد که اگر مورد مذاقه قرار می گرفت، مسلماً هم با ارزشتر بود و هم در خور توجهی بیشتر. زمانی که جای تحقیق درباره مباحث جزئیتر حقوق خالی است، تألیف و تحقیق در مورد مسائل کلی که بارها در کتب حقوقی به بحث کشیده شده، چه معنایی دارد؟ شاید در بررسی علل چنین نقصی بتوان به کمبود شاخه های تحقیقات عالی در رشته حقوق اشاره کرد.

در حالی که شاخه های تخصصی حقوق از دهها عنوان فراتر رفته است، در ایران بیش از چهار شاخه که هیچیک از آنها به خودی خود شاخه ای تخصصی به حساب نمی آید، افتتاح نشده است؛ یعنی حقوق خصوصی، حقوق عمومی، حقوق بین الملل و حقوق جزا که هر یک از آنها

کافی مورد بحث و تبیین قرار گرفته همچنان مورد علاقه مؤلفان یا ناشران قرار داشته و کتابهایی درباره اش چاپ می شود. در واقع و متأسفانه از نقایص تألیف و تحقیق در حوزه حقوق، تألیف در موضوعات مشابه است. نمونه های بیشتر این تألیفات را در حوزه مباحث اصلی گرایشهای حقوق می توان دید. مباحثی مثل حقوق مدنی، حقوق تجارت و حقوق بین الملل با وجود گستردگی مباحث، فقط در ابعادی خاص مورد توجه قرار گرفته اند. برای نمونه در طول سال ۷۳ دو کتاب با نام «شخصیت حقوقی» و یک کتاب با نام «حقوق تجارت (شرکتهای)»، اما در همان حوزه شخصیت حقوقی تألیف و چاپ شده است؛ چهار کتاب با نام «حقوق اساسی» و حاوی مباحث کلی این رشته به چاپ رسیده است؛ شش کتاب فرهنگ لغت و واژه نامه حقوقی انگلیسی به فارسی منتشر شده است؛ سه کتاب با عنوان «حقوق جزای عمومی» و سه کتاب با نام «حقوق بین الملل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



نمودار ۳ درصد کتابهای منتشر شده در هر یک از شاخه های حقوق

از خصوصیات درخور توجه در ترجمه‌های کتب حقوقی این است که برخلاف اکثر رشته‌های علوم انسانی مثل تاریخ، ادبیات، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی بیشتر کتابهای حقوقی را حقوقدانان ترجمه کرده‌اند، در حالی که در رشته‌های مذکور بیشتر آثار را افرادی ترجمه کرده‌اند که حرفه آنها ترجمه است و کمتر در رشته خاصی تخصص دارند. به همین دلیل آثار حقوقی ترجمه شده اعتبار بیشتری دارد و در آنها مفاهیم اصلی به خوبی به زبان فارسی بیان شده است.

تیراژ کتابهای حقوقی

کتابهای حقوقی چاپ شده در دوره ۱۶ ساله گذشته، تیراژ بالایی نداشته و جز در چند مورد تقریباً هیچ کتابی در تیراژ بیش از پنج هزار نسخه به چاپ نرسیده است. تیراژ متوسط کتب حقوقی در این دوره نزدیک به سه هزار نسخه بوده است. به این ترتیب به عنوان یک رقم قریب به واقع، تعداد نسخ کتب حقوقی در طول دوره ۱۶ ساله یک میلیون و پانصد هزار نسخه است که حتی در خوشبینانه‌ترین نظر که همه این کتابها جزء کتابهای به فروش رفته محسوب شود، مهم هر عضو جامعه حقوقی ایران (قضات، اساتید، وکلا، مشاوران حقوقی، دانشجویان حقوق و سایر فارغ التحصیلان حقوق شاغل در مشاغل مختلف) از جمع کتب منتشره ۱۵ نسخه است؛ یعنی تقریباً هر سال یک جلد کتاب. نتیجه این سخن این است که میزان مطالعه و تحقیقات سرانه در جامعه حقوقی ایران بسیار پایین است و به طور متوسط حتی اگر هر کتاب را ۲ نفر مطالعه کرده باشند، هر حقوقدان سالانه حدود ۱۵ ساعت را به مطالعه کتب حقوقی تخصیص داده؛ یعنی هر روز یک دقیقه و چهل ثانیه. البته

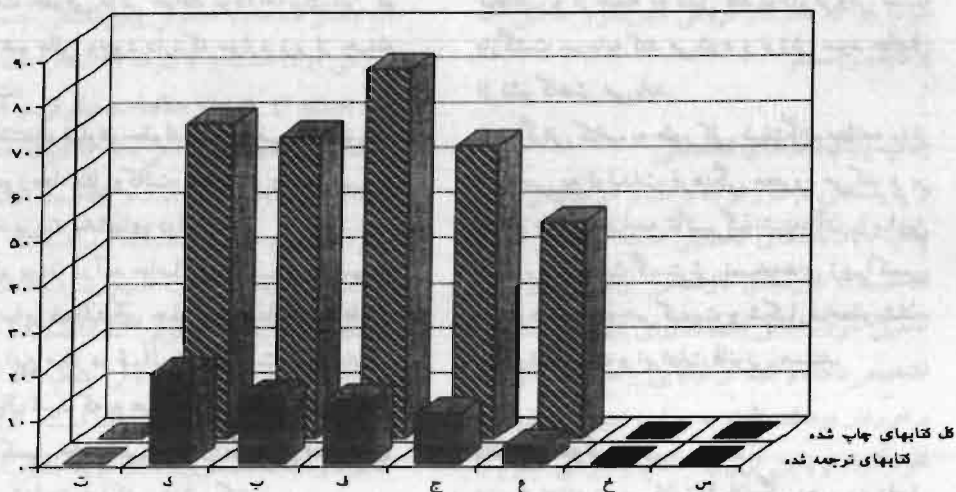
گرایشهایی دارد که به طور مستقل، نیازمند سالها تحقیق و تتبع است. با افزایش شاخه‌های تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق خلأ موجود مسلماً تا حد زیادی برطرف خواهد شد.

سهم ترجمه

برخی از کتب منتشر شده، ترجمه آثار حقوقی سایر کشورهاست. با بررسی مجموع آثار چاپ شده در دوره مورد نظر، ملاحظه می‌شود که حدود ۶۰ عنوان از کتب منتشره، ترجمه از یک زبان خارجی (من جمله عربی) بوده است. این تعداد حدود ۱۷ درصد از مجموع کتبی است که برای بار اول چاپ شده و ۱۳ درصد کل کتابهای حقوقی چاپ شده در دوره مورد نظر را تشکیل می‌دهد. بیشتر آثار ترجمه شده مربوط به مباحث کلی حقوق و پس از آن حقوق بین‌الملل، حقوق اسلامی و حقوق جزا بوده است.

ملاحظه می‌شود که سهم آثار ترجمه شده بسیار ناچیز و حاکی از ارتباط ضعیف علمی با دنیای خارج است؛ حال آنکه این ارتباط علمی در برخی رشته‌ها مثل حقوق بین‌الملل، حقوق عمومی و حقوق تجارت بسیار ضروری است؛ زیرا رشته‌های مذکور بیشتر از همه در خارج تکامل یافته است. تقویت این ارتباط علمی امری است لازم و بایسته که امید است با ترجمه آثار گرانبهای علمی از زبانهای خارجی عملی شود.

البته ترجمه امری است که نیاز به تخصص و دقت دارد و همچنین نیازمند آشنایی کافی با ماهیت موضوع، زبان مبدأ و زبان مقصد است. ترجمه به ویژه به دلیل عملاً به زحمتی همسنگ با تألیف نیاز دارد و این امر می‌تواند از عوامل کم شدن اشتیاق به ترجمه باشد.



نمودار ۴ نسبت کتابهای ترجمه شده حقوقی به کتابهای تألیف شده در دوره ۱۳۵۸ - ۱۳۷۳

شده است و در واقع سیر صعودی آن رضایت بخش است؛ زیرا در مقایسه بین نیمه اول و نیمه دوم این دوره ۱۶ ساله آمار متوسط چاپ و سهم سرانه با یکدیگر تفاوتی محسوس دارد. در نیمه اول (سالهای ۱۳۵۸ - ۱۳۶۵) جمعاً ۱۰۷ عنوان حقوقی چاپ شده است؛ اما این میزان در نیمه دوم (سالهای ۱۳۶۶ - ۱۳۷۳) حدود ۳۹۰ عنوان است. به عبارت دیگر اگر در سال ۱۳۶۵ سهم سرانه هر عضو جامعه حقوقی از نسخ چاپ شده کمتر از یک نسخه بوده است، این میزان در سال ۱۳۷۳ به حدود ۲/۵ نسخه بالغ شده است.

با وجود این، باید اذعان کرد که کتب حقوقی ارائه شده به جامعه حقوقی در مقایسه با میزان مورد نیاز یا استاندارد، فاصله زیادی دارد. در بررسی علل این وضع ابتدا باید به سطح کمی تألیف اشاره کرد. اگر مؤلفان، تألیفات بیشتری را به

تعداد کتابها نیز در حدی بوده که مطالعه آنها به فرصتی بیش از این نیاز نداشته است.

از نظر تنوع عناوین کتابهای منتشر شده هم آمار موجود گویای وجود نوعی بحران است. به طور متوسط در هر سال ۳۰ جلد کتاب منتشر شده است؛ یعنی به ازای هر ۳۳۰۰ نفر یک عنوان کتاب حقوقی، که از این تعداد اگر حتی ۱۰٪ آنها چاپ مکرر باشد، سهم کتب تازه عبارت است از یک جلد کتاب جدید برای هر پنج هزار نفر.

نتیجه این آمار دهشتناک در شئون مختلف جامعه بروز می‌کند و در قالب اختلافات حقیقی، ضعفهای مدیریتی، کاهش امنیت اجتماعی، افزایش جرائم، سوءاستفاده‌های مختلف مالی و کمبود آگاهیهای حقوقی رخ می‌نماید.

البته جای خوشوقتی است که سیر چاپ کتابهای حقوقی هر سال نسبت به سال قبل بیشتر

کتابهای تخصصی را به دنبال دارد؛ زیرا به دلایل مختلف و از جمله به دلیل کُند بودن فروش کتب، بازگشت سرمایه کند می‌شود و ارزش سود حاصل از نشر کاهش می‌یابد.

گرانی کتاب به طور کلی شیفتگان مطالعه را از دسترسی به تولیدات فرهنگی محروم می‌کند و بر سطح علمی جامعه تأثیر گذاشته، آن را پایین می‌آورد و باعث گسترش نسخه‌های زیراکسی می‌شود که علاوه بر کیفیت و شکل نامطلوبشان، دارای اشکالات و ایرادات قانونی هستند.

ناشران حقوقی

خوشبختانه در میان ناشران، گروهی به دلیل علاقه‌مندی به رشته حقوق، فعالیت خود را منحصراً و بی‌اعتماداً به چاپ کتب حقوقی اختصاص داده‌اند. عمده‌ترین این ناشرین که همگی در حوزه جغرافیایی تهران فعال هستند عبارتند از: گنج دانش، نشر میزان، فردوسی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، و نشر یلدا. ناشران مذکور در سالهای اخیر در چاپ کتابهای حقوقی بیشترین سهم را داشته‌اند که این اقدام آنان با توجه به خطرهای پیش‌گفته سرمایه‌گذاری در امر نشر کتب تخصصی، درخور ستایش است و نیاز به حمایت دارد.

تحقیقات انفرادی و غیرگروهی

تألیفات حقوقی در ایران تقریباً همانند سایر رشته‌های علوم انسانی بیشتر حاصل تلاشهای فردی است و کارگروهی کمتر انجام شده است. اگر چه حسن کار فردی، یکدستی و یکپارچگی است، کارگروهی پخته‌تر و کاملتر است و مطمئناً مفیدتر. این نقصان باید با همت محققان و عدول آنها از

ناشران بسپارند، این امر در بالا رفتن سطح مطالعات حقوقی مؤثر خواهد بود؛ اما برای این کم کاری هم علی وجود دارد که موارد زیر از جمله آنهاست:

- اشتغال فراوان حقوقدانان مؤلف و محقق در سایر حوزه‌ها؛ مثل وکالت، قضاوت و تدریس یا بضعاً مدیریت بخشهای دولتی؛

- کم بودن درآمد حاصل از تألیف در مقایسه با درآمد سایر فعالیتهای حقوقی؛ چنانکه به طور متوسط این مبلغ در قبال هر ساعت حدود یک هزار ریال است که به هیچ عنوان ارزش مالی ندارد؛ کمتر کسی حاضر می‌شود درآمد سایر فعالیتهای حقوقی را با چنین مبلغی عوض کند.

- گرانی هزینه‌های چاپ که موجب می‌شود سرعت چاپ کتاب یا تیراژ آن تقلیل یابد و در نتیجه میزان نشر اطلاعات حقوقی کاهش پذیرد.

- بالا بودن قیمت تمام شده کتابهای تخصصی نسبت به قیمت سایر کتابهای عمومی؛ به طوری که از نظر هزینه تمام شده، چاپ هر کتاب حقوقی ۲۰۰ صفحه‌ای تقریباً نیاز به هفت میلیون ریال هزینه دارد و اگر چنین کتابی در تیراژ سه هزار نسخه منتشر شود، قیمت پشت جلد آن حداقل باید ۴۰۰۰ ریال باشد تا بتواند هزینه‌های چاپ و توزیع کتاب را که به تنهایی تا ۱/۳ قیمت پشت جلد را شامل می‌شود، تکافو کند و سود معقولی هم عاید ناشر سازد تا او از ادامه فعالیت نشر ناامید نشود.

گرانی کتاب که خودش موجب کاهش فعالیت نشر می‌شود، عوارض دیگری هم به دنبال دارد: اولاً گرانی کتاب موجب می‌شود که کتاب به افرادی که قدرت خرید بیشتری دارند اختصاص یابد و بر اثر آن، بخشی از نیازمندان به مطالعه، از آن محروم بمانند؛ ثانیاً خطر عدم اقبال ناشران از چاپ



عبارتند از: ۱) «مجله حقوقی» که صاحب امتیاز آن دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است و تاکنون ۱۷ شماره آن چاپ شده است؛ ۲) «مجله مطالعات حقوقی و قضایی دادگستری جمهوری اسلامی» که تاکنون جمعاً ۲۶ شماره‌اش چاپ شده است؛ ۳) «مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران» که پس از انقلاب ۱۴ شماره آن به طبع رسیده است؛ ۴) «مجله تحقیقات حقوقی که دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی» متولی چاپ آن است و تاکنون ۱۴ شماره آن انتشار یافته است؛ ۵) «مجله کانون وکلاء دادگستری» که از دوره جدید آن شش شماره به چاپ رسیده است؛ ۶) «فصلنامه رهنمون» که البته به مباحث فقه و حقوق اسلامی می‌پردازد و تا حال ۸ شماره آن به چاپ رسیده و صاحب امتیاز آن مدرسه عالی شهید مطهری است. به طور کلی ملاحظه می‌شود که در طول دوره ۱۶ ساله پس از انقلاب در مجموع حدود یک صد شماره از مجلات چاپ شده‌اند. خصوصیات کلی این شماره‌ها را می‌توان بدین شرح برشمرد:

- تقریباً کلیه مجلات به شکل مجموعه مقالات بوده‌اند و کمتر مقاله‌ای هدف اطلاع رسانی حقوقی داشته است. به عبارت دیگر کلیه این مجلات را باید مجموعه مقالات نامید.

- تقریباً کلیه مقالات چاپ شده در این مجلات که شماره آن حدود هزار مقاله است به مباحث تشواریک پرداخته و بیشتر دارای یک وجه آکادمیک بوده‌اند. تأکید خاصی بر کاربردی بودن این مجلات به چشم نمی‌خورد و برعکس در بعضی از آنها به مطالب صرفاً کلاسی توجه خاصی شده است.

- در این مجلات تا حد امکان آثاری منتشر

بعضی سلیقه‌ها و عقاید نه چندان محکم برطرف شود؛ چرا که طعم کارگروهی شیرینتر و حاصل آن پرفایده‌تر است.

چاپ پایان‌نامه‌های تحصیلی

از پدیده‌های درخور توجه و تقدیر در سالهای اخیر چاپ پایان‌نامه‌های تحصیلی است. برخی از فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی ارشد که موضوع تحقیق خود را قابل استفاده برای گروهی و وسیعتر تشخیص دادند و البته از توانایی یا حمایت مالی نیز برخوردار بوده‌اند اقدام به چاپ نتیجه تحقیقات خود کرده و بدین ترتیب امکان دسترسی عموم را به آثارشان فراهم آورده‌اند. این امر باعث شده است تحقیقات دانشگاهی که معمولاً در نسخه‌های محدود تکثیر می‌شود به صورت کتاب درآید و در تیراژ وسیع چاپ شود. این اقدام علاوه بر اینکه از نظر علمی ستودنی است، حاکی از علاقه برخی ناشران به توسعه و حمایت از تحقیقاتی است که به دست محققان گمنام انجام شده و طبیعتاً برگشت سرمایه را با خطر بیشتری مواجه می‌کند.

اگر چه بخش عمده‌ای از پایان‌نامه‌های مذکور توسط ناشران دولتی به چاپ رسیده که دغدغه کمتری در مورد هزینه‌های چاپ دارند، در هر حال این اقدام را باید مورد تقدیر قرار داد و گسترش آن را آرزو کرد.

وضعیت مجلات حقوقی

پس از انقلاب اسلامی و از حدود سال ۱۳۶۳ انتشار مجدد مطبوعات حقوقی آغاز شد؛ با این تفاوت که بسیاری از مجلات حقوقی سابق دیگر منتشر نشد و در عوض مجلات جدیدی پا به عرصه نشر گذاشت. مهمترین نشریات حقوقی پس از انقلاب

مثال از مجله حقوقی که ظاهراً یک فصلنامه است و از زمستان ۱۳۶۳ منتشر شده، ابتدا هر فصل یک شماره، سپس هر شش ماه یک شماره، بعد هر یک سال یک شماره و در این اواخر هر دو سال یک شماره منتشر شده است؛ به گونه‌ای که به جای انتشار ۴۲ شماره، فقط ۱۷ شماره، آن هم در ۱۵ مجلد به چاپ رسیده است.

مجله دادگستری نیز که ابتدا به نام «فصلنامه حق»، آنگاه «فصلنامه مطالعات حقوقی و قضایی دادگستری» و سرانجام با نام «مجله مطالعات قضایی و حقوقی دادگستری» منتشر شده و هر بار با تغییر نام، تغییر مدیریت هم داده و با یک دوره تعلیق مجدداً چاپ شده است، تا حال در مجموع ۲۶ شماره داشته، حال آنکه باید نزدیک به ۴۴ شماره داشته باشد.

علت اصلی این تأخیر و بی‌نظمی علاوه بر آنچه هنگام بررسی وضع نشر کتب حقوقی ذکر شد، مشکل تهیه مطالب و مقالات مناسب برای چاپ بوده است. به عبارت دیگر چون دامنه تحقیق گسترده نبوده، گاه جمع‌آوری مقالات لازم برای چاپ یک شماره تا یک سال به طول انجامیده است.

یک نکته مهم و در خور توجه در بررسی نشریات حقوقی ادواری، دولتی بودن تمامی این مجلات است. به عبارت دیگر در بخش غیردولتی تقریباً هیچ فعالیتی در این زمینه وجود ندارد. این امر نه به دلیل عدم اقبال بخش خصوصی، بلکه به دلیل عدم اقبال بخش نظارت بر مطبوعات بوده است و خود می‌تواند از نحوه نگرش مسئولان به مسائل حقوقی و حد و مرزی که برای طرح مباحث حقوقی وجود دارد، خبر دهد. شرح و بسط بیشتر این مباحث را به فرضتی دیگر وامی‌گذاریم.

شده که نویسندگان به نوعی به صاحب امتیاز مجله دلبستگی و وابستگی داشته‌اند. برای مثال در مجله حقوقی، مباحث ارائه شده حاصل تلاش کارشناسان دفتر خدمات است و مجله کانون وکلا بیشتر حاوی مقالات وکلاست.

در بین این مجلات، در مجله حقوقی مقالاتی تحقیقی چاپ شده که به طرح مباحث مربوط به دعاوی ایران و آمریکا در دیوان داوری لاهه پرداخته است و بدین ترتیب مباحث مربوط به حقوق بین الملل عمومی و خصوصی و تجارت بین الملل را گسترش داده و از این حیث، این مجله منبع و مأخذی برای مباحث فوق محسوب می‌شود. مجله دادگستری بیشتر به طرح مباحث فقه و حقوق اسلامی پرداخته و اگرچه تاحدی مباحث تئوریک سایر شاخه‌های حقوق را نیز مطرح کرده است، برخلاف انتظار و هدفی که از چاپ فصلنامه مذکور می‌رود، وارد مباحث کاربردی و مربوط به دادگستری نشده است. در مجله دادگستری تقریباً هیچ عکس‌العملی نسبت به مهمترین مباحث مطروح در دادگستری مثل قضات، موضوع تشکیلات قضایی، مقررات مربوط به تجدیدنظر، قانون مجازات اسلامی و... دیده نمی‌شود.

به عنوان نتیجه‌گیری باید گفت مجلات حقوقی از عمل به رسالت اصلی یک «مطبوع» عاجز مانده‌اند، رسالتی که هدفش انتشار اخبار، طرح مباحث حقوقی مورد نیاز جامعه، ایجاد ارتباط میان مسئولان و عامه مردم، و انجام دادن امر اطلاع رسانی و... است. بدین ترتیب عملاً میان مجلات حقوقی و کتابهایی که با نام مجموعه مقالات به چاپ می‌رسد تفاوتی به چشم نمی‌خورد. به علاوه هیچیک از مجلات ادواری، نظم انتشار - که جزء اصلیتین ویژگی‌های نشریه است - نداشته‌اند. برای